

۱۶ رجب ۹۲۰

سلطان سلیم وارد سرخاب تبریز شد. به دستور سلطان عثمانی، از مناره‌های مساجد تبریز، اذان به شیوه اهل سنت گفتند و نماز جمعه در «مسجد جامع حسن پادشاه» برگزار شد. در این زمان شاه اسماعیل برای تدارک حمله به لشکر عثمانی به همدان رفته بود.

۲۵ رجب ۹۲۰

به دنبال مقاومت مردم تبریز و بیم از حملات شاه اسماعیل و همچنین نزدیک شدن سرما، سلطان سلیم تصمیم به خروج از تبریز و بازگشت به قلمرو عثمانی گرفت و در ۱۵ رجب، به همراه لشکر خود از تبریز خارج شد. سلطان در بازگشت راه قرا باغ در شمال ارس را پیش گرفت تا مگر زمستان را در قرا باغ بگذراند. اما اعتراض لشکریان او را واداشت که از طریق نخجوان و ایروان و ارزوم برای به آماسیه در سرزمین عثمانی برود.

۲۴ صفر ۹۲۰

سلطان سلیم در جلسه‌ای که در صفر ۹۲۰ در دربار آدرنه برپا کرد، تصمیم به جنگ با شاه اسماعیل گرفت. به این منظور، به منظور شرکت در این لشکرکشی، فرمان‌هایی برای نیروهای تحت امر خود صادر کرد. آنگاه پسر خود سلیمان را به حکومت آدرنه منصوب کرد و روز پنجشنبه ۲۴ صفر ۹۲۰ ق، در رأس اردو، از راه دریا به ساحل آسیایی عثمانی در اسکودار آمد.

نمودار زمانی جنگ چالدارن

منبع اطلاعات نمودار زمانی: دایره المعارف بزرگ اسلامی



ب ۹۲۰

سلطان عثمانی پس از فراغت از امور میدان جنگ، به قصد تبریز به راه افتاد و روز چهارم رجب وارد خوی شد و از خوی به ولایات اطراف فتح‌نامه فرستاد. پس از حرکت از خوی، سلطان سلیم چند تن از امرا را با ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفر ینی چری، پیشاپیش به تبریز فرستاد تا ترتیب تسلیم شهر، اعلام امان سلطان برای مردم و ضبط خزائن و اسباب شاه را بدهند.

۲ رجب ۹۲۰

جنگ در روز چهارشنبه، دوم ماه رجب ۹۲۰، درگرفت و از صبح تا عصر یک روز تابستانی، در دشت چالدران، که عثمانی‌ها بعداً آن را صوفی قیران (صوفی کش) نامیدند، طول کشید. در واقع سلطان سلیم بی‌درنگ جنگ را آغاز کرد تا مبلغان صوفی فرصت رخنه در سپاه عثمانی را نیابند و نتوانند از شمار نیرو و نقشه جنگی عثمانی آگاه شوند. نتیجه جنگ، به‌رغم همه رشادت‌هایی که شاه اسماعیل نشان داد، شکست لشکر صفویه و کشته شدن تعداد زیادی از افراد شاه اسماعیل بود. تعداد قابل توجهی از سپاهیان عثمانی نیز در این جنگ کشته شدند.

۲۷ صفر ۹۲۰

سلطان سلیم از منزل ازمیت نخستین نامه خود دایر بر اعلان جنگ را، به فارسی و انشای قاضی عسکر تاج‌زاده جعفر چلبی، برای شاه اسماعیل فرستاد. وی در این نامه آغاز سفر جنگی خود به قصد انهدام سلطنت شاه اسماعیل را اعلام کرد و او را میان توبه و تحویل سرزمینش یا رویارویی در میدان جنگ، مخیر ساخت.

۱ رجب ۹۲۰

لشکر سلطان سلیم در اول رجب ۹۲۰ به تپه‌های مشرف بر جانب شمال غربی دشت چالدران رسید. در این زمان، شاه صفوی هم با سپاه خود در جانب شرقی دشت مستقر شده بود. به این ترتیب دو نیرو در برابر هم قرار گرفتند.

۸ جمادی الاول ۹۲۰

لشکر سلطان سلیم در این تاریخ به سیواس رسید. پس از سرشماری، شمار افراد اردو ۱۴۰ هزار تن و ۸۰ هزار رأس حیوان برآورد شد. از این تعداد، افراد ناکارآمد جدا و الباقی به سمت ایران گسیل شدند.

اواخر جمادی الآخر ۹۲۰

سلطان سلیم نامه دیگری با همان لحن اهانت‌آمیز و مقداری هدایای زنانه برای شاه اسماعیل فرستاد و نوشت: «آنچه غایت مجرب توست، استعمال کن، باشد که باعث جرئت تو به مقابله شود... اسم مردی به تو حرام است و لازم می‌آید که در جای مغفر، معجرو در جای زره، چادر اختیار کرده، از سودای سرداری از هوای سپهسالاری فراغت بنمایی.»

۱ جمادی الآخر ۹۲۰

لشکر سلطان سلیم در این روز وارد ارزنجان شد که جزو قلمرو صفوی بود. جاسوس‌ها خبر آوردند که شاه اسماعیل فعلاً قصد مقابله با عثمانیان را ندارد. معابر را خراب کرده است و می‌خواهد هنگامی دست به جنگ بزند که برف آمده باشد تا لشکر عثمانی گرفتار سختی شود. سلطان سلیم با ارسال نامه تندی به شاه اسماعیل تلاش کرد او را برای شروع زودتر جنگ تحریک کند.